

# قصائد سعدی

رباعیات، ترجیعات، مفردات

مصلح بن عبدالله سعدی شیرازی  
براساس نسخه‌ی محمدعلی فروغی

انتشارات آندیا گستر

تهران - ۱۳۹۲

سرشناسه: سعدی، مصاحف بن عبدالله، ۹۶۹ق  
عنوان و نام پدیدآور: فصاید سعدی/ مصاحف بن عبدالله سعدی شیرازی؛  
براساس نسخه محمد علی فروغی  
مشخصات نشر: تهران: آندیا گستر، ۱۳۹۲  
مشخصات ظاهری: ۳۳۰ ص  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۲۱-۲۴-۹  
وضعیت فهرست نویسی: فیا  
موضوع: شعر فارسی - قرن ۶ق.  
رده بندی کنگره: به ۱۳۹۲ PIR۵۲۰۷  
رده بندی دیویی: ۸۱۶/۳۱  
شماره کتابشناسی: ۳۳۶۶۲۱۸

عنوان و نام پدیدآور: فصاید سعدی / مصلاح بن عبدالله سعدی شیرازی؛

براساس نسخہ محمد علی فروغی

مشخصات نشر: تهران: آندیا گستر، ۱۳۹۲

مشخصات ظاهری: ۳۳۰ ص

شماره: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۲۱-۲۴-۹

وضعت فهرستونی: لپا

موضوع: شعر فارسی - قرن ۶ ق.

PIR 52.07 رده بندی گنجره: پ. 1392

رده‌بندی دیویی: ۸۱۳/۳۱

شماره کتابشناسی: ۳۳۶۶۲۱۸

## انشارات آنديا گستر

تهران: خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، کوچه رستمی، پلاک ۳۰. طبقه همکف

تلفن: ۶۶۴۷ ۹۸۴۳ فکس: ۶۶۴۹ ۲۲۲۷

## قصائد سعدی

رباعیات، ترجیعات، مفردات

شرف الدین مصلح بن عبداللہ سعدی شیرازی

بر اساس نسخه تصحیح شده محمد علی فروغی

ناشر: انتشارات آندیا گستر

تیسرا: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۲

ISBN: 978-600-7321-24-9 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۲۱-۲۴-۹

قیمت: ۷۵۰۰ تومان

## فهرست

|    |                                                      |
|----|------------------------------------------------------|
| ۷  | مقدمه                                                |
| ۱۷ | فوائد فارسی                                          |
| ۲۱ | در ستایش علاء الدین عظاملک جوینی صاحب دیوان          |
| ۲۳ | در ستایش اتابک مظفر الدین سلجوقشاه                   |
| ۲۳ | در وداع شاه جهان سعد بن ابی بکر                      |
| ۲۴ | در وصف بهار                                          |
| ۲۵ | موعظه و نصیحت                                        |
| ۲۶ | موعظه و نصیحت                                        |
| ۲۷ | اندرز و نصیحت                                        |
| ۲۸ | در نصیحت و ستایش                                     |
| ۲۹ | در ستایش حضرت رسول (ص)                               |
| ۳۱ | توحید                                                |
| ۳۳ | در ستایش اتابک محمد                                  |
| ۳۴ | وله فی مدح ایش بنت سعد                               |
| ۳۴ | برگشت به شیراز                                       |
| ۳۵ | در ستایش حضرت رسول (ص)                               |
| ۳۶ | در ستایش قاضی رکن الدین                              |
| ۳۷ | در ستایش علاء الدین عظاملک جوینی صاحب دیوان          |
| ۳۹ | وله فی مدح اتابک مظفر الدین سلجوقشاه                 |
| ۳۹ | در ستایش شمس الدین حسین علکانی                       |
| ۴۱ | در ستایش اتابک سعد بن ابوبکر بن سعد بن زنگی بن مودود |
| ۴۱ | در وصف بهار                                          |
| ۴۳ | در ستایش شمس الدین محمد جوینی صاحب دیوان             |
| ۴۶ | مطلع دوم                                             |
| ۴۸ | در مدح امیر انکیانو                                  |
| ۵۰ | تغزل در ستایش شمس الدین محمد جوینی صاحب دیوان        |

|    |                                             |
|----|---------------------------------------------|
| ۵۱ | در وصف شیراز                                |
| ۵۱ | در لیلۃ البراءة فرموده است                  |
| ۵۲ | در مدح امیر سیف‌الدین (محمد)                |
| ۵۳ | در ستایش علاء‌الدین جوینی صاحب‌دیوان        |
| ۵۵ | در تنبیه و موعظه                            |
| ۵۷ | پند و موعظه                                 |
| ۵۹ | در ستایش امیرانکیانو                        |
| ۶۰ | در تنبیه اتابک مظفرالدین سلجوقشاه ابن سلفر  |
| ۶۲ | باز گردیدن پادشاه اسلام از سفر عراق         |
| ۶۲ | تغزل و ستایش صاحب‌دیوان                     |
| ۶۳ | در انتقال دولت از سلجوریان به قوم دیگر      |
| ۶۵ | در وداع ماه رمضان                           |
| ۶۶ | در مدح شمس‌الدین حسین علکانی                |
| ۶۷ | در ستایش علاء‌الدین عظاملک جوینی صاحب‌دیوان |
| ۷۰ | مطلع دوم                                    |
| ۷۱ | در ستایش شمس‌الدین حسین علکانی              |
| ۷۳ | در ستایش صاحب‌دیوان                         |
| ۷۶ | در ستایش ملکه ترکان خاتون                   |
| ۷۶ | در ستایش اتابک مظفرالدین سلجوقشاه           |
| ۷۷ | پند و اندرز                                 |
| ۷۹ | در ستایش ترکان خاتون و پسرش اتابک محمد      |
| ۸۰ | تنبیه و موعظه                               |
| ۸۱ | تغزل و ستایش صاحب‌دیوان                     |
| ۸۲ | پند                                         |
| ۸۴ | در ستایش                                    |
| ۸۵ | در پند و ستایش                              |
| ۸۶ | در ستایش                                    |
| ۸۷ | در پند و اندرز                              |
| ۹۰ | در ستایش ابوبکر بن سعد                      |
| ۹۰ | در ستایش امیرانکیانو                        |
| ۹۳ | مراثی                                       |

|     |                                                         |
|-----|---------------------------------------------------------|
| ۹۳  | ترجیع‌بند در مرثیه‌ی سعد بن ابوبکر                      |
| ۹۵  | ذکر وفات امیر فخرالدین ابی‌بکر طاب ثراه                 |
| ۹۶  | در مرثیه‌ی عزالدین احمد بن یوسف                         |
| ۹۷  | در مرثیه‌ی اتابک ابوبکر بن سعد زنگی                     |
| ۹۹  | در مرثیه‌ی سعد بن ابوبکر                                |
| ۹۹  | در مرثیه‌ی ابوبکر سعد بن زنگی                           |
| ۱۰۱ | در زوال خلافت بنی‌عباس                                  |
| ۱۰۲ | قصائد عربی                                              |
| ۱۰۲ | فی مرثیه‌ی امیرالمؤمنین المعتمد بالله و ذکر واقعه بغداد |
| ۱۰۷ | یمدح ابو الذین بن الضاد                                 |
| ۱۰۹ | یمدح السعید فخرالدین المنجم                             |
| ۱۰۹ | فی الغزل                                                |
| ۱۱۰ | ایضاً                                                   |
| ۱۱۱ | ایضاً فی الغزل                                          |
| ۱۱۲ | فی الشیب                                                |
| ۱۱۲ | فی الغزل                                                |
| ۱۱۷ | فی الغزل                                                |
| ۱۱۸ | ایضاً فی الغزل                                          |
| ۱۱۹ | فی الغزل                                                |
| ۱۱۹ | ایضاً                                                   |
| ۱۲۰ | وله ایضاً                                               |
| ۱۲۱ | وله ایضاً                                               |
| ۱۲۲ | قطعه                                                    |
| ۱۲۲ | قطعه                                                    |
| ۱۲۲ | وله ایضاً                                               |
| ۱۲۲ | فی مدح صاحب دیوان                                       |
| ۱۲۳ | قطعه                                                    |
| ۱۲۳ | قطعه                                                    |
| ۱۲۳ | مفردات                                                  |
| ۱۲۵ | غزلیات مشتمل بر پند و اندرز                             |
| ۱۲۵ | که در غزلیات دیگر پراکنده است و                         |

|     |                                                   |
|-----|---------------------------------------------------|
| ۱۲۵ | در این جاگرد آورده‌ایم                            |
| ۱۵۹ | مثلثات                                            |
| ۱۶۳ | قطعات در پند و اخلاق و غیر آن                     |
| ۱۶۳ | ظاهراً در ستایش صاحب دیوان است                    |
| ۱۶۴ | ظاهراً در ستایش صاحب دیوان است                    |
| ۱۶۸ | در عزت نفس                                        |
| ۱۷۱ | ظاهراً در ستایش صاحب دیوان است                    |
| ۱۸۳ | ظاهراً در مدح صاحب دیوان است                      |
| ۱۸۴ | در مدح صاحب دیوان                                 |
| ۱۹۴ | در مدح و نصیحت                                    |
| ۲۰۵ | رباعیات در اخلاق و موعظه                          |
| ۲۱۵ | مثنویات در پند و اخلاق                            |
| ۲۲۱ | حکایت                                             |
| ۲۲۳ | حکایت                                             |
| ۲۲۷ | مفردات در پند و اخلاق                             |
| ۲۳۵ | ملحقات در پند و اخلاق                             |
| ۲۳۵ | ۱- قصاید                                          |
| ۲۳۶ | تنبيه و موعظه                                     |
| ۲۳۸ | نصیحت                                             |
| ۲۳۹ | ۲- غزل‌های عرفانی                                 |
| ۲۴۱ | ۳- قطعات                                          |
| ۲۴۳ | این غزل در تذکره‌ی «مرآت‌الخیال» امیر علیخان سودی |
| ۲۴۳ | به نام شیخ سعدی‌ست                                |
| ۲۴۵ | نصیحة‌الملوک در پند و اخلاق                       |
| ۲۶۹ | رساله در عقل و عشق                                |
| ۲۷۳ | در تربیت یکی از ملوک گوید                         |
| ۲۷۹ | ترجیعات                                           |
| ۲۹۳ | قطعات                                             |
| ۲۹۷ | رباعیات                                           |
| ۳۱۹ | ملحقات                                            |

## مقدمه

به نام خداوند بخشندهی مهربان

خوانندگان محترم به خاطر دارند که چهار سال پیش از این ما به طبع آثار شیخ اجل شیراز به روشی تازه دست بردیم و از کتاب گلستان شروع کرده، سپس به بوستان پرداختیم و قسمت اعظم غزلیات شیخ را در جلد سوم قرار دادیم و اینک بقیه‌ی آثار آن بزرگوار را، از قصاید و غزلیات اخلاقی و قطعات و رباعیات و نثریات و غیره، در این مجلد چهارم جمع کرده، این مجموعه را به پایان می‌رسانیم و برای مزید استحضار خاطر خوانندگان می‌گوییم:

کلیات شیخ سعدی مطابق نسخه‌های چاپی، مشتمل بر بیست و دو، یا سه کتاب و رساله است.

آنچه پیش از گلستان درج شده، شش رساله از این قرار است:

۱. تقریر دیباچه؛ ۲. مجالس پندگانه؛ ۳. کتاب نصیحه الملوک؛ ۴. سؤال صاحب دیوان؛ ۵. رساله‌ی عقل و عشق؛ ۶. تقریرات ثلاثه (حکایت اباقا، رساله‌ی انکیانو، رساله‌ی شمس الدین تازیکو) و کتاب‌های دیگر از

گلستان به بعد از این قرار:

۱. گلستان؛ ۲. بوستان؛ ۳. قصاید فارسی و مرثیاتی؛ ۴. قصاید عربی؛ ۵. مسمعات و مثلثات؛ ۶. ترجیعات؛ ۷. طلیات؛ ۸. بدایع؛ ۹. خواتیم؛ ۱۰. غزلیات قدیم؛ ۱۱. صاحبیه؛ ۱۲. مقطعات؛ ۱۳. رباعیات؛ ۱۴. مفردات؛ ۱۵. هزلیات؛ ۱۶. خبیثات.

هرچند نسخه‌های بسیار قدیم که اساس کار ما در چاپ و تصحیح کلیات بود، هیچ‌یک تمام و منظم نیست، ولی از مطالعه‌ی مجموع آنها چنین استنباط می‌شود که طرز تنظیم و از پی هم‌درآمدن کتاب‌های کلیات از آغاز به ترتیبی بوده که در نسخه‌های چاپی مشاهده می‌شود، ولی اگر ترتیب تنظیم غزل‌ها و قطعات و رباعیات را در نظر بگیریم، آمیختگی زیاد است و نسخه‌های قدیم و جامی اختلاف بسیار دارد.

چنان که در مقدمه‌ی منسوب به علی بن احمد بن ابی بکر بی‌ستون ذکر شده، وی در ظرف هفت سال دو مرتبه غزل‌های شیخ را ترتیب داده است و از این عبارت که می‌گوید: «جمع آورنده‌ی دیوان شیخ (رحمة الله علیه) در اصل وضع بنیاد بر بیست و دو کتاب و رساله کرده بود.» مستفاد می‌شود که بیستون با اینکه سی و چهار سال بعد از شیخ در شیراز می‌زیسته، ظاهراً نسخه‌یی که خود شیخ ترتیب داده باشد، در دست نداشته و این کاریست که «جامع دیوان شیخ»، یعنی دیگران کرده‌اند، و بعد هم گذشته از اینکه غزل‌های هر کتاب را برای اینکه به ترتیب حروف تهجی بنا نهاده شود، جابه‌جا کرده‌اند. بسیاری از غزل‌ها از کتابی به کتابی نقل شده است.

ما این نکات را در مقدمه‌ی کتاب غزلیات گوشزد کرده‌ایم و در این جا مقصود این است که غیر از غزلیات درباره‌ی آثار دیگر شیخ هم از: ترجیعات و رباعیات و قطعات همین تصرّفات را روا داشته‌اند که ما با توجه به نسخه‌های قدیم به این تصرّفات اشاره می‌کنیم.

در نسخ قدیم ترتیب بندهای ترجیعات با نسخ چاپی مطابق نیست و ما غزل‌های ترجیعات را همچنان که در نسخه‌های قدیم مرتّب شده، به چاپ رساندیم.

ملّمعات دو قسمت شده، آنچه غزل است در ضمن غزل‌ها آمده و آنچه ابیات آن پیش از حدّ غزل و یا در نصیحت است، پس از قصاید عربی آمده و مثلثات هم از آن جمله به شمار است و ما هم تقریباً این ترتیب را رعایت کردیم.

رباعیات شیخ، بعضی در اخلاق و یا در واقعه است و این رباعیات در نسخه‌های قدیم جزو قطعات کتابت یافته و آنچه در مغازله است، جداگانه به نام «رباعیات» خوانده شده و ترتیب آن هم به حروف تهجی نیست. ما رباعیات عشقی و اخلاقی را از هم جدا ساختیم و مانند غزل‌ها به ترتیب حروف تهجی درآوردیم.

در نسخه‌های قدیم هم مانند بعضی از نسخ چاپی قسمتی از قطعات را «صاحبه» و قسمتی را «مقطعات» خوانده‌اند، ولی این قطعات که به دو نام نامیده شده، مخلوط است و ترتیب آنها هم یکسان نیست. ما این قطعات را به ترتیب حروف هجا تنظیم کردیم و چون از کلمه‌ی «صاحبه» مستفاد می‌شود که بعضی از این قطعات در ستایش و درباره‌ی صاحب‌دیوان

بوده، در ذیل صفحات اشاره نمودیم.

در پایان قطعات بعضی حکایات و مثنوی‌هاست که در نسخه‌ها ثبت شده ولی عنوان جداگانه ندارد؛ ما نیز به پیروی نسخه‌ها، این مثنوی‌ها را پس از پایان قطعات آوردیم. همچنین چون ابیاتی از بوستان به شکل قطعه‌ی جداگانه در میان آنها بود، چاپ مجدد آنها را لازم ندانستیم. این نکته را نیز بگوییم که در ضمن مقطعات هم، بعضی از قطعات گلستان آمده بود که تکرار آنها را بیهوده انگاشتیم، مگر آن جا که شعر با تغییر نقل شده بود که در ذیل صفحه اشاره نموده ایم.

مفردات را نیز که در اخلاق یا مغازله بود، از هم جدا کردیم و به ترتیب حروف تهجی مرتب ساختیم (چنان که در کلیات چاپی هم شده بود).

\*\*\*

باری، چنان که در مقدمه‌ی غزلیات گفته شده، ما کلیه‌ی آثار شیخ را (غیر از بوستان و گلستان) در دو جلد فراهم آوردیم:

جلد اول: آنچه در مغازله و معاشقه است از غزل و قطعه و رباعی و غیره که به نام «غزلیات سعدی» انتشار یافته و این کتاب طیبیات، بدایع، خواتیم، غزلیات قدیم (غزل‌هایی که در ستایش یا موعظه است، از میان آنها کشیده شده)، ترجیعات، قطعات، رباعیات، مفردات که در مغازله و معاشقه است - در برمی‌گیرد.

جلد دوم: آنچه در ستایش و در اخلاق و پند و موعظه و یا واقعه است که به نام «مواظ سعدی» خوانده می‌شود و این کتاب مشتمل بر دو قسم است:

قسمت اول: قصاید فارسی و مراثنی (غزل‌هایی که در ستایش بوده و در ضمن قصاید گنجانده شده)، قصاید عربی و مثلثات؛ غزل‌های عرفانی و اخلاقی (این غزل‌ها از طئیات و بدایع و خواتیم و غزلیات قدیم گرفته شده است)؛ قطعات (صاحبه و مقطعات)؛ رباعیات و مفردات که در پند و موعظه است.

قسمت دوم: رسائل شش‌گانه که در کلیات چاپی قبل از گلستان درآمده است. در باب این رسائل نظر خود را اجمالاً در فهرستی که بر آن قرار داده‌ایم، گفته‌ایم و تکرار می‌کنیم که این مجموعه را به چهار بخش می‌توان کرد:

۱. آنچه به یقین می‌توان گفت به قلم شیخ است و آن کتاب نصیحة الملوک است و رساله‌ی عقل و عشق و رساله‌ی انکیانو. کتاب نصیحة الملوک و رساله‌ی انکیانو به یک روش است و معلوم می‌شود که شیخ خواسته نکاتی را که مخصوصاً در بوستان به شعر فرموده، با زبانی ساده‌تر برای امرای ترک‌زبان بگوید.

رساله‌ی عقل و عشق هم در پاسخ سؤال مظلوم یکی از دانشمندان معاصر سعدی به نام سعدالدین النظری است و به همین مناسبت در نسخه‌ی نفیس آقای دانش خراسانی که آن را در مقدمه‌ی غزلیات وصف کرده‌ایم، در صدر رساله نوشته شده «رسالة النظرية» و عباراتی که در آخر رساله در این نسخه است، به عین نقل می‌شود: «تَمَّتِ الرَّسَالَةُ فِي الْعَقْلِ وَالْعَشْقِ فِي جَوَابِ الصِّدْرِ الْكَامِلِ الْمُتَبَجِّرِ الْمُحَقِّقِ، مَلِكِ الشُّعْرَاءِ سَعْدِ الْمَلَّةِ وَالَّذِينَ النَّظَرِي غَفَّرَ اللَّهُ لَهُ وَلِوَالِدَيْهِ وَكُتِبَ الْعَبْدُ عَبْدُ الصَّمَدِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ

محمود أَصْلَحَ اللَّهُ شَأْنَهُ وَغَفَرْلَهُ وَلَوْلَا الَّذِي فِي شَهْرِ رَمَضَانَ أَحَدِي وَعَشْرِينَ وَ سَبْعِينَ، و باید بگوییم که در دو نسخه‌ی بسیار قدیم رساله‌ی عقل و عشق و نصیحة الملوك کتابت شده، ولی رساله‌ی انکیانو در این نسخه نیست و ممکن است سقط شده باشد و این خود دلیلی دیگر بر صحت انتساب این رسائل به شیخ سعدی است. نکته‌یی که لازم است یاد کنیم، این است که مندرجات کتاب نصیحة الملوك در نسخه‌ها تقدیم و تأخیر داشت و برای اینکه جمله‌ی سقط نشود و مقابله‌ی نسخ سهل گردد، مطالب را به وسیله‌ی اعداد جدا کردیم.

۲. پنج مجلس است در موعظه که به نظر ما اگر از شیخ هم باشد، در منبر یا مجلسی تقریر فرموده و دیگران به نگارش درآورده‌اند. این مجالس در نسخه‌های بسیار قدیم که در دسترس است، وجود ندارد و ممکن است افتاده باشد.

۳. رسائلی که به نام «تقریرات ثلاثه» در احوال شیخ نوشته شده، از این قرار: سؤال صاحب دیوان از شیخ، ملاقات شیخ با آباقا و رساله‌ی شمس‌الدین تازیکو، که چنان که از مندرجات آنها شکار است، دیگران در احوال شیخ نوشته‌اند و تنها اشعاری که در این رسائل گنجانده شده، از شیخ است؛ ولی مطالب این رسائل به نظر ما مشکوک است که از شیخ باشد و در نسخ معتبر و قدیم نیست.

۴. ملحقات رسائل که عبارت است از مقدمه‌ی منسوب به بیستون و دیباچه‌یی که بر کلیات شیخ نوشته‌اند و بدون تردید از دیگران است. ما این رسائل را با تقدیم و تأخیری که ترتیب آن را یاد کردیم، با اینکه

تردید نداریم که بخش سوم و چهارم آن از شیخ نیست، در این کتاب آوردیم و چون ممکن است بعضی بخواهند این دوره‌ی کلیات را یک جا جلد کنند و رسائل را چنان که در کلیات چاپی معمول است، در اوّل کلیات پیش از گلستان در آورند، آن را از سایر قسمت‌ها جدا ساختیم.

\* \* \*

با توضیحاتی که داده شد، خوانندگان توجّه می‌فرمایند که از کتب و رسائل سعدی که در کلیات چاپی آمده (غیر از خبیثات و هزلیات) هیچ یک ترک نشده و کلیه‌ی آنها در چهار مجلد به روشی که بیان کردیم، به چاپ رسیده و اگر بگوییم این دوره از سایر کلیات‌هایی که تاکنون به چاپ رسیده، گذشته از چه کونگی و کیفیت و صحت، تمام‌تر و کامل‌تر هم هست، اغراق نگفته‌ایم، زیرا هم غزلیات و قطعاتی را که در نسخه‌های قدیم دیده شده و در نسخه‌های چاپی نیست، در این دوره ثبت کردیم و هم اشعاری را که در نسخه‌های مختلف خطی و چاپی به شیخ نسبت داده‌اند، به نام «ملحقات» به آن افزوده‌ایم.

\* \* \*

چند تن از دوستان به ما گفته‌اند و شاید کسان دیگری هم باشند که طریقه‌ی ما را که ما در تنظیم کلیات به کار برده‌ایم، پسندیده‌اند، ولی به عقیده‌ی ما ترتیب دادن آثار شیخ اجل به وجوه مختلف به هیچ وجه مانعی ندارد؛ زیرا کلیات را به شکلی که ما در دست داریم، خود شیخ تنظیم نفرموده، که اگر تصرّفی در آن بشود، ناروا باشد و چنان که همه می‌دانند و نسخه‌های قدیم هم گواهی می‌دهد، در موقع تنظیم اشعار

شیخ به حروف تهجی، تمام غزل‌ها و رباعیات و قطعات جابه‌جا شده و در این صورت چه اشکال دارد که آن ترتیب به صورتی کامل‌تر و منظم‌تر تجدید شود؟

تصرفی هم که ما کرده‌ایم، در ترتیب غزلیات است که قدیم آنها را چهار مجموعه قرار داده بودند. ولیکن هیچ معلوم نیست این تقسیم از چه وجه است. زیرا غزل‌های شیخ را فقط چنان‌که ما کرده‌ایم، به دو قسمت می‌توان منقسم نمود: یکی که مغازله و معاشقه است و دیگر که موعظه و نصیحت است. از این گذشته هر غزل منظومه‌ی مستقل تام و تمامی است که به هیچ وجه با غزل‌های دیگر ارتباطی ندارد تا تغییر ترتیب آنها تأثیری در کار داشته باشد. هیچ کس هم در مطالعه‌ی کلیات مقید نمی‌شود به اینکه از آغاز طبیات شروع کرده، مرتباً به آخر غزلیات قدیم منتهی کند و اگر مقصود این است که معلوم باشد کدام غزل را قدیم‌تر در طبیات قرار داده و کدام یک را در بدایع یا خواتیم یا غزلیات قدیم آورده‌اند، ما هم این مقصود را تأمین کرده‌ایم، به اینکه در هر غزل نشان داده‌ایم، که جزو کدام مجموعه است، بنابراین گمان نمی‌کنم از روشی که اختیار کرده‌ایم لطمه‌ی جبران‌ناپذیری به آثار شیخ بزرگوار زده باشیم، فقط نشان داده‌ایم که غزلیات را این قسم نیز می‌توان فراهم آورد.

\*\*\*

پیش از این گفتیم که ما از انتشار کتاب «هزلیات» و «خبیثات» خودداری کردیم، اینک اجمالاً لازم است در این باب بگوییم:

هزلیات عبارت است از سه مجلس به نثر و مشتمل است بر مطالبی

ناپسند و رکیک که حکایاتی هم به نام المصاحک به این سه مجلس افزوده شده است. این کتاب در نسخه‌های قدیم که در دست ماست، نیست، ولی نمونه‌یی از آن در نسخه‌ی پاریس که تاریخ کتابت آن در سال ۷۶۷ هجری است دیده می‌شود.

خییثات عبارت از حکایات و قطعاتی است منظوم که هرچند زندگی دارد، ولی طرز بیان می‌نماید که از شیخ است و در نسخه‌های قدیم هم وجود دارد به هر حال خواه این دو کتاب از شیخ باشد یا نباشد، ما چاپ آنها را شایسته ندانستیم.

و نیز یادآور می‌شویم که در یک نسخه‌ی خطی که در دست ماست، کتابی به نام «مُعَمَّیَّات» منسوب به شیخ است. این کتاب مشتمل بر سی و یک قطعه‌ی عربی و فارسی در لغز و معماست و چنان‌که آقای عبدالعظیم قریب در مقدمه‌ی گلستانی که به چاپ رسانده‌اند، اشاره فرموده‌اند، در کلیات متعلق به ایشان هم این قطعات که شماره‌ی آن را ۴۲ قطعه دانسته‌اند، وجود دارد.

دیگر از گفتنی‌ها اینکه، در بعضی نسخه‌های چاپی مثنوی به بحر مقارب، در اخلاق شامل دویست و یک بیت به سعدی نسبت داده شد که به «کریما» معروف است. این ابیات سست و ناچیز در هیچ یک از نسخ خطی قدیم و جدید که ما در دست داریم، دیده نمی‌شود و به طرز نزدیک به یقین اثر شیخ اجل نیست. در یک نسخه‌ی خطی هم که اعتبار آن مورد تصدیق ما نیست، قصیده‌یی به سعدی در زبان‌های شهرها منسوب است و چون با بردن نسخه‌های متعدد تصحیح آن برای ما اشکال داشت و لازم

هم نمی دانستیم، به عمد آن را ترک کردیم.

\*\*\*

نسبت به روشی که ما در تصحیح این دوره کلیات اختیار کرده ایم و همچنین در توصیف نسخه هایی که در دست داشته ایم، گفتنی ها را گفته ایم، و تنها چیزی که تکرار آن را لازم می دانیم، این است که از دانشمندی که چند سال نسخه های نفیس خود را در اختیار ما گذاشته اند، دیگر بار سپاسگزاری و امتنان خود را اظهار داریم.

محمد علی فروغی - مهرماه ۱۳۲۰